

مشکلات دنیا برای چیست و کدام بخش از وجود ما را درگیر می‌کند؟

Mentazer Mentazer

چرا تحمل مشکلات دنیا و سختی‌های آن برای من سنگین است؟

به احتمال زیاد همه ما در مواجهه با مشکلات دنیا این نوع جمله‌ها را یا به زبان آورده یا از دیگران شنیده‌ایم که خدایا چرا دعای مرا اجابت نکردی؟

Mentazer Mentazer

چرا فلان چیزی را که می‌خواستم به من ندادی؟

Mentazer Mentazer

چرا برایم بلا و بیماری فرستادی؟

چرا من مبتلا به سرطان شدم؟

چرا ورشکسته شدم؟

Mentazer Mentazer

چرا در زندگی من طلاق اتفاق افتاد؟

چرا ازدواج نکردم؟

یک نکته مهم درباره این نوع سؤال‌ها وجود دارد و آن این است که این منی که درباره مشکلاتش گلایه داریم کدام من است؟

Mentazer Mentazer

شناخت کامل ابعاد وجودمان به ما کمک می‌کند، بتوانیم انواع من و مشکلات و مسائل مربوط به هر بخش را از دیگر بخش‌ها تفکیک کنیم. به این ترتیب نوع و میزان واکنش ما در برابر سختی و مشکلات هر بخش به اندازه اهمیت آن بُعد از وجودمان خواهد بود. نوع شخصیت هریک از ما نشان می‌دهد که کدام من در وجودمان از اهمیت و اصالت بیشتری برخوردار است.

Mentazer Mentazer

علاوه بر شناخت خود، آشنایی با فلسفه سختی‌ها هم به ما کمک می‌کند تا نگاه متفاوتی به مشکلات دنیا داشته باشیم. در این درس سعی می‌کنیم مواردی را که باعث می‌شوند مشکلات به نظرمان بزرگ جلوه کنند، بشناسیم و با تفسیر مشکلات از نگاهی دیگر، به حقیقت و باطن آن‌ها پی ببریم.

مشکلات دنیا باشگاهی برای رشد

در درس‌های ابتدایی وقتی درباره ابعاد وجودی انسان صحبت شد به انواع من اشاره کردیم. وجود ما ترکیبی از من‌های وهمی، خیالی، جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی و فوق عقلی است. تنها من حقیقی، من بخش فوق عقلی است. اما آیا در وجود همه ما این من حاکم است؟ چطور می‌توانیم بفهمیم حاکمیت وجودمان در اختیار کدام من قرار دارد؟

تا وقتی ما در تعارض و تضاد بین من جاودانه و من‌های عقلی، وهمی، خیالی، جمادی، گیاهی و حیوانی قرار نگیریم معلوم نمی‌شود کدام من را انتخاب کرده‌ایم. شهید مطهری می‌فرماید: «تضاد و کشمکش، شلاق تکامل است». موجودات زنده با این شلاق راه خود را به سوی کمال می‌پیمایند. این قانون در جهان نباتات، حیوانات و بالاخص انسان صادق است.»^۱

با توجه به این‌که به کدام بخش از وجودمان بیشتر بها داده و آن را تغذیه کرده‌ایم، در برابر مشکلات واکنش‌های متفاوتی خواهیم داشت. برخی مشکلات مثل مسائل خانوادگی و عاطفی ویژه بخش حیوانی وجودمان است؛ پس اگر سختی‌ها و مشکلاتی مثل طلاق، ازدواج نکردن و اختلافات خانوادگی به ما فشار وارد می‌کند یعنی من حیوانی ما فعال و دارای اصالت است که این دردها را احساس می‌کند.

خدا با هر کدام از ما بر اساس ساختار وجودی‌مان برخورد می‌کند، درست مثل یک مربی که با هر شاگرد بر اساس توانایی‌های او رفتار می‌کند. چیزی که باعث می‌شود ما در مقابل خدا بایستیم، راضی به رضای الهی

^۱ مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص ۱۵۲

نباشیم و در برابر مشکلات صبر نکنیم، اختلاف دیدگاه با خدا در تعریف من حقیقی است. از نظر خداوند فقط من انسانی وجودمان حقیقی است و هیچ‌کدام از اموری که مربوط به بخش انسانی ما نیست در نگاه خدا اصالت ندارد، ولی ما چون من‌های دیگر را اصیل می‌بینیم در برابر سختی‌ها و مشکلاتی که به آن‌ها وارد می‌شود طاقت خود را از دست داده و شروع به گله و شکایت می‌کنیم.

اگر خود و هدف آفرینش‌مان را بشناسیم و خداوند را به عنوان مربی و پرورش‌دهنده خود بپذیریم، می‌دانیم همه آن‌چه از نعمت یا گرفتاری به ما داده می‌شود از روی صلاح و مصلحت بوده و زمینه‌ای برای رشدمان است. خداوند زمینه رشد برخی از ما را نعمت، برخی را بیماری، برخی را فقر و برخی را سلامتی قرار داده است. باور به این حقیقت باعث می‌شود به دام مقایسه کردن نیفتیم، داشته‌های دیگران را با نداشته‌های خود قیاس نکنیم و از سختی‌ها و مشکلات شکایتی نداشته باشیم.

برخی محدودیت‌ها و مشکلات دنیا برای این است که موانع از سر راه ما حذف شوند تا بتوانیم با خداوند خلوت کنیم، ولی بسیاری از ما حاضر نیستیم دنیا را به عشق خدا رها کنیم و به محض این‌که خداوند ذره‌ای از دنیای ما را بگیرد فریاد اعتراض‌مان بلند می‌شود. خدا گاهی با دست‌کاری دنیای ما قصد دارد ما را جراحی کرده و تراش دهد تا از شر صفات ناپسندی که کسب کرده‌ایم خلاص شویم؛ مانند پزشکی که در رحم مادر دست برده و اندام اضافی جنین را اصلاح می‌کند، خدا هم با این سختی‌ها ما را اصلاح کرده و به خود شبیه‌تر می‌کند، اما متأسفانه ما به جای غنیمت شمردن این فرصت، غصه‌دار جدا شدن از بخش‌های طبیعی خود مثل همسر، فرزند، غذا و مال می‌شویم؛ چون این بخش‌ها را بیشتر از خدا دوست داریم.

در واقع یکی از فلسفه‌های امتحان‌ها و مشکلات دنیا ایجاد شرایطی است تا ما بین خود اصلی و فطری و خودهای طبیعی و فرعی‌مان یکی را انتخاب کنیم. بسیاری از ما به دلیل تعلق زیاد به بخش طبیعت وجودمان مشکلات دنیا را بزرگ می‌بینیم. به عبارتی اعتراض و نارضایتی ما نسبت به مشکلات ناشی از ضعف معرفت یا دل‌بستگی‌های ما به کمالات پایینی و غیر انسانی است. ما هر چقدر بخش‌های پایینی را بیشتر قربانی بخش انسانی خود کنیم، به خدا نزدیک‌تر خواهیم شد و برعکس هر قدر به این بخش‌ها بیشتر رسیدگی

کنیم از خدا دورتر می‌شویم. یکی از نتایج دوری از خداوند هم احساس فشار و سختی در هنگام مواجهه با مشکلات است.

انسان‌سازی ویژگی و نتیجه مشکلات دنیا

ما می‌توانیم به سختی‌ها و مشکلات از جنبه‌های مختلفی نگاه کنیم؛ اگر آن‌ها را فقط به چشم مسائلی ببینیم که سر راه ما قرار گرفته تا باعث اذیت و آزارمان شوند، قطعاً گله و شکایت خواهیم کرد، اما سختی‌ها دلالی مثل آزمایش و ابتلا، زمینه شکوفایی استعدادها، عامل پاک‌سازی وجود، رشد درجه‌های معنوی، پیشگیری از بلاهای بالاتر، حفظ و رشد ایمان و همچنین انسان‌سازی دارند.

مصائب و مشکلات انسان‌ساز سختی و دشواری‌هایی هستند که ما را از حیثیت طبیعی، جنسی و حیوانی‌مان جدا می‌کنند. این سختی‌ها در حقیقت به بخش طبیعی وجودمان وارد می‌شوند، اما اثر آن‌ها این است که فطرت را قدرتمند کرده و ما را به خداوند شبیه‌تر و مأنوس‌تر می‌کنند.

اگر مصیبت و سختی به طبیعت وارد شود مایه شکر است، چون این نوع مصیبت باعث قدرت گرفتن بخش فطرت و انسانیت می‌شود؛ البته به شرط این‌که از چنین مصیبتی به عنوان یک فرصت و نه تهدید برای افزایش توکل، توجه، وابستگی و دلدادگی بیشتر به خدا استفاده کنیم. «از این نکته نباید غفلت ورزید که مصائب وقتی نعمت هستند که انسان از آن‌ها بهره‌برداری کند و با صبر و استقامت و مواجهه با دشواری‌هایی که مصائب تولید می‌کنند روح خود را کمال بخشد، اما اگر انسان در برابر سختی‌ها فرار را انتخاب کند و ناله و شکوه سر دهد، در این صورت بلا از برای او واقعاً بلاست.»^۲

بر خلاف تصور، همه مشکلات و بلاها به ضرر ما نیستند. گاهی ما با همان مصیبتی که به آن مبتلا شده‌ایم به دامان خدا بازگشته، از شرک رها شده و عزت و شخصیت پیدا می‌کنیم. شاید همه ما بتوانیم در این

مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص ۱۵۹^۲

مورد مثالی در زندگی خود پیدا کنیم، یعنی مشکلاتی که با وجود ظاهر ناخوشایند، خوب و مبارک بوده و فایده‌های زیادی در دل خود داشته و بعدها مایهٔ رشد و آرامش ما در بسیاری از زمینه‌ها شده‌اند. خاصیت مصیبت‌های مبارک و خوب، انسان‌ساز بودن آن‌ها است.

مشکلات دنیا سی تی اسکن روح!

گاهی پزشکان برای تشخیص و درمان بیماری‌ها نیاز دارند درون بدن بیمار را با ابزار و روش‌هایی مثل سی تی اسکن و ام‌آر‌آی ببینند. ما هم گاهی نیاز داریم برای شناخت خود واقعی‌مان به درون خود اشراف پیدا کنیم. یکی از ابزارهایی که در این راه به ما کمک می‌کند، مشکلات دنیا است. اگر آزارها و سختی‌ها را مثل چاقویی بدانیم که وجودمان را برش داده و آن را به دو بخش واقعی و غیرواقعی تقسیم می‌کند دیگر در برابر آن‌ها شکایتی نداشته و به راحتی تحمل‌شان می‌کنیم. این مشکلات با دست گذاشتن روی نقاط تحریک پذیر و دردناک روح ما سبب می‌شوند که آن‌ها را پیدا کرده و بشناسیم؛ برای مثال کسی که به بیماری کینه یا حساست مبتلا شده مشکلی بیش از همه رنجش خواهد داد که مربوط به اختلافاتش با دیگران یا ناتوانی‌اش از بخشش است و در واقع مشکلاتی که برای او به وجود می‌آید باشگاه شناسایی و دفع این صفات ناپسند است.

تمام غصه‌ها، ناراحتی‌ها، احساس حقارت‌ها، تنهایی و بی‌پناهی‌ها مربوط به من‌های غیرواقعی وجودمان است. این من‌ها مثل حجابی روی حقیقت پرده می‌اندازند و اگر بتوانیم آن‌ها را کنار بزنیم، می‌بینیم که واقعاً در آغوش خداوند قرار داریم.

نکتهٔ مهم در تفسیر غم‌ها و مشکلات زندگی این است که بفهمیم مصیبت و سختی به کدام بخش وجودی ما وارد می‌شود؛ طبیعت یا فطرت. اگر خود را به درستی بشناسیم، نوع نگرش‌مان نسبت به مصیبت‌ها و

مشکلات هم متفاوت خواهد بود، اما اگر حیثیت وجودی خود را دنیا و طبیعت بدانیم در مواجهه با مشکلات طبیعی و دنیایی، افسرده و پژمرده می‌شویم.

در این درس یاد گرفتیم با توجه به میزان اهمیت و اصالت من‌های وجودمان، مشکلات و سختی‌ها به بخش‌های مختلفی وارد می‌شوند، اگر من‌های پایینی و طبیعی بر وجودمان حاکم باشند، مشکلات را آزردهنده و سنگین می‌دانیم و در برابر آن‌ها گله و شکایت می‌کنیم، اما وقتی من انسانی بر وجودمان حاکم شود، مصائب را مثل ابزارهایی می‌بینیم که وجودمان را صیقل و تراش داده و ما را در راه شبیه شدن به خدا کمک می‌کنند. از نظر شما چرا سختی‌های دنیا به نظرمان سنگین می‌آید؟ خوشحال می‌شویم نظرات شما را بدانیم.